

# فرهنگ آموزش

قسمت  
دوم

زری آقاجانی



می‌سازد (مهر محمدی، ۱۳۹۲).

**برخی آثار فرهنگی مستقیم عبارت‌اند از:**

- همدلی
- معطوف شدن توجه فرد به قوا و توانایی‌های ذهنی
- قابلیت قرار گرفتن در نقش دیگران و درک و فهم بهتر دیدگاه‌های آنان
- برخورداری از توان تجزیه و تحلیل ارزش‌ها و رفتارهای شخصی
- آشنایی با راهبردها برای حل مسائل اجتماعی

**برخی آثار فرهنگی غیرمستقیم عبارت‌اند از:**

- برخوردارشدن از صمیمیت و پیوند گروهی
- اصالت قائل شدن برای جمع، تحمل تفاوت‌ها و اختلاف‌ها
- برخوردارشدن از تحمل و شکیبایی در گفت‌وگو
- آگاهی نسبت به خود
- برخورداری از روح خلاقیت
- در اینجا چند نمونه القای فرهنگ آموزش در پایه‌های پنجم، در درس‌های ادبیات و اجتماعی می‌آید. این نمونه‌ها را نگارنده خود در مدارس شهر تهران مشاهده و مستندسازی کرده است: در درس فارسی، آموزگار معانی لغات را از دانش‌آموزان می‌پرسید و اگر دانش‌آموزی پاسخ را نمی‌دانست، با خوش‌رویی از هم‌کلاسی وی می‌خواست با یک جمله دوستش را به جواب نزدیک سازد. اگر جمله گویا نبود، از شاگرد دیگری می‌خواست با ساخت جمله‌ای

## اشاره

در شماره‌ی قبل از لزوم وجود فرهنگ آموزش گفتیم و این که نظام‌های آموزشی بر اساس سنن پذیرفته شده‌ی مردم برنامه‌ریزی می‌شوند. در این شماره ادامه‌ی بحث را پی گرفته‌ایم.

برای ایجاد تغییرات در آموزش، ابتدا باید در فرهنگ آن تغییر ایجاد کرد و برای این تغییر باید از روش تدریس و آموزش معلمان آغاز کرد. در اکثر نظام‌های آموزشی، برای تغییر، معلم مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ولی زمانی که بازدهی آموزشی افت می‌کند، این معلم است که سرزنش می‌شود. از آنجا که بخش اصلی فعالیت‌های آموزشی یعنی یاددهی-یادگیری را معلم انجام می‌دهد، بنابراین، وی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت است و کلید موفقیت و تحقق اهداف نظام‌های آموزشی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. این معلم است که تمام ذهنیت و باورها و اعتقادات و نگرش خود را در کنار کتاب و درس، در فضایی مملو از آموختن و اثربخشی و به‌طرز نامحسوسی، به دانش‌آموزان منتقل می‌کند.

یکی از اصلی‌ترین ابزار اشاعه‌ی فرهنگ در نظام آموزشی، روش تدریس معلمان است. هر روش تدریس مؤید یک نوع ویژگی فرهنگی است که می‌تواند اثرات مطلوب و نامطلوب خود را حین آموزش تجلی سازد. انتخاب روش تدریس در تبیین و تعیین شخصیت آتی دانش‌آموزان بسیار اثرگذار است. برای مثال، روش‌های تدریس توضیحی و سخنرانی یا روش تدریس مستقیم، در فرایند آموزش نقش فعالی برای دانش‌آموزان قائل نیستند. با این روش، مجموعه‌ای خصوصیات فرهنگی از قبیل اطاعت بی‌چون و چر از معلم، مشارکت نکردن در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و درسی، این فرهنگ را به دانش‌آموزان القا می‌کند که به آرا و افکار دیگران احترام نگذارند و همیشه تبعیت صرف داشته باشند. دانش‌آموزان با چنین تفکر فرهنگی وارد جامعه می‌شوند و منش آموخته شده را به اجرا در می‌آورند.

برای چاره‌اندیشی و تناسب فرهنگ آموزش با نیازهای آموزشی، تدبیری نیست جز بازنگری و ارتقای روش‌های آموزشی و تدریس، از طریق به‌کارگیری روش‌های آموزشی فعال و روش‌های نوین تدریس که صاحب‌نظران برای تحقق تربیت مطلوب فرهنگی آن‌ها را باور دارند و آثار فرهنگی مستقیم و غیرمستقیم دارند. آثار مستقیم فرهنگی در بردارنده‌ی نتایج هستند که الگوی تدریس به صراحت در صدد تحقق آن‌هاست، و آثار غیرمستقیم شامل فضای آموزشی و روابط و مناسباتی هستند که الگوی تدریسی خاص بر کلاس حاکم





مناسب‌تر در درک لغت و معنای آن به دوستانش کمک کند. شاگردان در این کلاس جرئت اظهار نظر داشتند. معلم خود را یگانه دانای کلاس نمی‌دانست و سعی می‌کرد با جلب کمک از هم‌سالان، دانش‌آموزان را به مشارکت و فعالیت بیشتر در کلاس فراخواند. این روش، علاوه بر ایجاد حس همکاری و کمک به هم‌نوع، بدون ذره‌ای تحقیر، دیگر مهارت‌های دانش‌آموزان را نیز تقویت می‌کرد. کلاس آن قدر لذت‌بخش بود که با صدای زنگ هنوز شاگردان درگیر فعالیت آموزشی بودند. در درس مطالعات اجتماعی، آموزگار از برخی دانش‌آموزان خواسته بود آن روز درس بدهند. شاگردان داوطلب آمدند و جلوی کلاس ایستادند. معلم گفت: شروع کنید، امروز کلاس مال شماست. شاگردان که تمام مطلب را حفظ کرده بودند، تند تند شروع به توضیح درس کردند. جالب این بود که چون به جای معلم بودند، کلاس را هم با الگویی که از معلم خود در ذهن داشتند، اداره می‌کردند. بدین صورت که اگر شاگردی قدری تکان می‌خورد، به او تشر می‌زدند و او را به ساکت نشستن و گوش دادن امر می‌کردند. دیگر شاگردان در این کلاس تمایلی به گوش دادن نداشتند و با بی‌حوصلگی منتظر اتمام صحبت‌های دوستشان و زنگ تفریح بودند. معلم کلاس نیز گاهی توضیحی می‌داد و بعد به کارهای خودش می‌رسید که تصحیح اوراق امتحانی شاگردان بود.

نمونه‌های تجربیات زیست‌شده‌ی معلمان در شهرهای گوناگون، تجربه‌ی زیست‌شده‌ی معلم عشایر در منطقه‌ی پشتکوه در استان لرستان (تحقیق دکتر عطاران و عبدلی، ۱۳۹۱)، خاطرات معلم عشایر، حول چند موضوع مرتبط به یکدیگر که با موقعیت آموزشی او مرتبط هستند چرخ می‌خورد. کانون اصلی این خاطرات، تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان است و مفاهیم دیگر حاشیه‌های آن هستند. از همان آغاز، معلم می‌کوشد به گونه‌ای به بچه‌های عشایر درس دهد که دانش‌آموزانش بهترین یادگیری را داشته باشند، ولی دانش‌آموزان میل چندانی به یادگیری نشان نمی‌دهند و کلاس او را دچار اخلاص می‌کنند. او روش‌های مختلف آموزشی را برای کنترل کلاس به کار می‌برد، ولی فایده‌ای ندارد؛ نصیحت، تنبیه، صحبت با والدین، دادن تکلیف اضافی، کم کردن ساعت زنگ تفریح و امثال این‌ها که هیچ یک مؤثر واقع نمی‌شوند. برخی عوامل دیگر هم موجب می‌شوند معلم به استفاده از تنبیه بدنی به عنوان روش آموزشی مجبور شود. انتظارات والدین، اعتقادات بچه‌ها درباره‌ی تنبیه بدنی و توصیه‌های مسئولان مجتمع آموزشی، از جمله‌ی این عوامل‌اند. والدین انتظارشان این است که معلم به عنوان ابزار تربیتی، از تنبیه برای آموزش بچه‌ها استفاده کند. معلم می‌گوید همه‌ی خانواده‌ها از من می‌خواهند که بچه‌ها را تنبیه کنم و به من می‌گویند: «اگر دانش‌آموزان را کتک زنی، اصلاً گوش نمی‌کنند». این تلقی چنان در فرهنگ عشایر جا افتاده است که وقتی معلم در زنگ انشا از بچه‌ها می‌خواهد در مورد شغل آینده‌شان بنویسند، برخی می‌نویسند: «می‌خواهم معلم شوم و خوب درس بدهم و اگر بچه‌ها دست و صورتشان کثیف باشد، آن‌ها را کتک بزنم!»

## دو نمونه در خارج از ایران

### مدرسه‌ی بدون دیوار

در مدرسه‌ی «سیامنتاک» در روستای دامپور واقع در غرب هند، معلمان به آموزش عملی اعتقاد دارند. **ساشین دو سائی** این مدرسه را در سال ۲۰۰۷ میلادی در این روستا تأسیس کرده است؛ به‌دلیل این که هشتاد درصد مردم هند، روستانشین هستند. ساشین دوسای می‌گوید هدفش این

بوده است که دانش‌آموزان برای کار و زندگی در روستا آماده شوند و مجبور نشوند در آینده به شهرهای بزرگ بروند. در این فضای آموزشی بدون دیوار، دانش‌آموزان چیزهایی یاد می‌گیرند که برای زندگی آینده‌ی آن‌ها در روستا مفید است. به آن‌ها می‌آموزند که از توانایی‌ها و دانشی که در دوران تحصیل کسب می‌کنند، در زندگی روزمره استفاده کنند. در برنامه‌ی درسی این مدرسه، هیچ حد و مرزی وجود ندارد. دانش‌آموزان روی طرح‌های گوناگون کار می‌کنند. عده‌ای در آزمایشگاه‌های غذاهای محلی و گروهی در مزرعه مشغول‌اند. برخی هم در مورد ساخت‌وساز سازگار با محیط زیست چیزهایی یاد می‌گیرند. این شیوه‌ی آموزش عملی، مزیت دیگری هم دارد و آن آشنایی با مشکلات روزمره است که باعث می‌شود دانش‌آموزان به نوآوری دست بزنند.

### مدرسه‌ی سامرهیل

شعار این مدرسه و بهتر است بگوییم رویکرد آموزشی آن «راه خودت را برو» است. دانش‌آموزان خودشان تصمیم می‌گیرند در هر روز چه درس‌هایی را بیاموزند. معلمان این مدرسه از این رویه و اشتیاق شاگردان برای آموختن بسیار راضی هستند. مؤسس مدرسه، **ای اس نیل**، می‌گوید: ترجیح



می‌دهد از «سامرهیل» رفتگری شاد و خوشحال بیرون بیاید تا نخست وزیر عصبی!

هریک از الگوهای تدریس می‌توانند آثار مطلوب و منحصر به‌فرد خود را در تحقق عناصر فرهنگی در پایه‌های گوناگون آموزشی به منصفه‌ی ظهور برسانند و این مهم به انجام نمی‌رسد، مگر با خواست و اراده‌ی معلمان در انجام تغییرات فرهنگی در روش خود و به‌کارگیری الگوهای نوین تدریس، آن هم با خلاقیت و آفرینندگی که از ویژگی‌های معلمان اثر بخش است.

#### منابع

۱. سرکارآرانی، محمد رضا، مقدم، علیرضا (۱۳۹۰). شکاف آموزشی. انتشارات مدرسه، تهران.
۲. صادقی، علی رضا (۱۳۹۱). ویژگی‌ها و ضرورت‌های تدوین برنامه‌ی درسی چند فرهنگی در ایران: بررسی چالش‌ها و ارائه‌ی راهبردها. فصل‌نامه‌ی راهبرد فرهنگ، شماره‌ی هفتم و هجدهم.
۳. عراقی‌سه، علی‌رضا، واجارگاه، فتحی (۱۳۹۰). قومیت، پدیده‌های آکسیمیورون در برنامه‌ی درسی صریح مدارس متوسطه‌ی ایران. فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، شماره‌ی ۴۰.
۴. عطاران، محمد و عبدلی، مصطفی (۱۳۹۱). فرهنگ یادگیری، مدرسه‌ی عشایر کوچ‌رو: روایت‌های یک معلم. فصل‌نامه‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، سال هفتم، شماره‌ی ۲۵.
۵. مهر محمدی، محمود (۱۳۹۲). بازاندیشی فرایند یاددهی - یادگیری. انتشارات مدرسه، تهران.
۶. مهر محمدی، محمود (۱۳۹۲). جستارهای نظریه‌ی روزانه در تعلیم و تربیت. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

7. [www.toyserkan-group3.blogfa.com](http://www.toyserkan-group3.blogfa.com)
8. [www.ghofbsaleh-shahed.blogfa.com](http://www.ghofbsaleh-shahed.blogfa.com)
9. [www.wise-qatar.org](http://www.wise-qatar.org)